

# چرا آنها هستیم؟

تخت باید ببینیم چرا ما بعد از انقلاب  
پرویزمان احساس تنهایی می کنیم ؟  
تنهایی بدلیل اینکه در تمام طول انقلاب ،  
دستهای را که برای کمک به سوی ما دراز شد  
برای دادن اسلحه ، کمکهای مادی ، کمکهای  
معنوی بصورت پشتیبانی و دفاع همه را غیب  
زدیم ، وگفتیم آنگاه انقلاب ما اصالت خواهد  
داشت که تنها متکی به علت ما و اراده ما و

**تلاشهای ما و خونهای ما باشد .**  
تنهایی بدلیل اینکه ما برای اصولی مبارزه  
کرده و می کنیم که مکتبهای غرب و شرق ،  
سرمایه داری و کمونیسم که همه بر اساس مائوئیسم  
و عاده گرایی بی روزی شده ، از آن بیگانه اند .  
و همیشه سعی دارند خود را از آن دور نگه دارند .  
تنهایی بدلیل اینکه در مبارزای آب و نان و  
خوراک و علف که تمام آنها به آن می اندیشند ما  
بمفاهیم ولای انسانی و اهداف اوزشده حیات  
انسانها می اندیشیم .

و بالاخره تنهایی بخاطر اینکه ما دربروزی  
خود بربرگزین قدرتهای داخلی و خارجی شاید  
جریانهای معجزه آسایی بودیم که هیچکدام با  
موازن طبیعی و عادی سازگار نبود .

هرگرمی که دشمن با تمام هوشیاری برداشت  
بفریزان او تمام شد .  
هرسلاحی تهیه دیده بود برضد او بکار رفت .  
هرحرکت حساب شده ای که انجام داد موهک  
او را تسریع کرد و هر قدمی که در راه کوبیدن ،  
نوازش ، تفریح ، بهره بردید و توبه و التماس در  
برابر برداشت او را بپیش نزدیکتر ساخت .  
آری اینها طبیعی بود ، و از ویژگیهای انقلاب  
ما بود .

نه دنیا پیش از انقلاب تنها بودیم ، بعد از  
انقلاب نیز تنها هستیم و امیدواریم یا بیخودن  
عین میرتا آخر هم تنها باشیم و جز مظهرهای  
اعتدال و تجدیده و مستضعف جهان کسی با ما  
همصدا و همگام نباشد که این نشانه اصالت انقلاب  
ما و عدم انحراف از حق و عدالت است !  
ما اگر گرایش به یکی از ابرقدرتهای بزرگ  
جهان نشان می دادیم - همانگونه که بسیاری از  
کشورهای خواهان آزادی نشان دادند - با تمام  
وجودشان به یاری ما برمی خواستند ، و سیل  
کمکهای مادی و به اصطلاح معنویشان به سوی  
ما برآز می شد ، و تبلیغات دامنه دارشان بسوی  
ما سراسر دنیا را فرا می گرفت و از انزوایی که  
ما را به آن متهم می کنند بیرون می آمدیم .

اما اگر ما این کار را می کردیم ، انقلاب ما یک  
انقلاب اسلامی نبود ، یک انقلاب امیل و متکی  
به خود بود ، و منووش گسین از زنجیرشاه و  
بوشن به زنجیرهای دیگران بود ، و نجات گسترده  
ایراندونی و گرفتاری در دام ایرفردنی دیگر بود .

## چرا سخت کوش تر ؟

امان تنهایی برشکوه و غرور آخرین مسئولینهای  
سنگینی برای ماس آفریند ، مسئولینهای عظمت  
انقلاب تنهاییان .

یک جمعیت ۳۳ میلیونی در میان قریاتی از  
تنوع و اسلحه جهانخواهان - و قدرتهای بزرگ  
و امکانات وسیع تبلیغاتی آنان در برابر جهان  
چگونه می تواند زنده بماند و از امواج حادثه و

# ما که احساس تنهایی می کنیم باید متحد تر و سخت کوش تر باشیم

گردانهای مخوفی که بر سر راه اوست خود را  
رهائی بخشد و به مسائل نجات برساند ؟  
پاسخ این سؤال مهم را در چند جمله می توان  
خلاصه کرد

چنین مشی تنها در صورتی می تواند به حیات  
مستقل و انتخار آفرین خود ادامه دهد که اصول  
زیرا در عمل نه در سخن بکار بندد :

۱- هیچ فرصتی را برای مشکل ساختن صفوف  
خود از دست ندهد و تمام بهانه ها ، دستاویزها ،  
سوء تفاهات و هراسی سبب تفرقه و جدائی و  
شکاف در صفوف می شود از میان بردارد .

۲- با همه صبر و وسعت نظر به حوادث بنگرد منابع  
کوچک خویش را فدای هدفهای بزرگ کند و به  
هیچ دست و گرومی اجازه تفرقه افکنی در صفوف  
انقلابی و اسلامی ندهد .

۳- گذشت و بزرگواری ، ایثار و فداکاری و سایر  
مفاهیم اخلاقی اسلامی که یکی از فلسفه های  
مفصل ایجاد وحدت در میان صفوف است در سطح  
وسیعی بکار بندد .

۴- به همان اندازه که نابرابری در میان نیروی  
ظاهری ما و نیروی ظاهری دشمن وجود دارد باید  
تلاش و کوشش ما را افزایش دهیم .

۵- شب و روز برای ترمیم ویرانیهای گذشته و  
بیاده کردن برنامه های سازندگی نه تنها در مسائل  
عمرانی بلکه در زمینه های فکری و فرهنگی نیز  
ادامه نعیم باید بدانیم تا مدتی طولانی نباید  
بصورت فوق العاده کار کنیم و بطور فوق العاده  
نیروهای مادی و معنوی خود را در حال آماده باش  
دائم نگهداریم .

۶- از تمام نبوغ ها ، قدرتهای فکری و جسمی  
منابع روی زمین با هوشیاری و دقت بهره برداری  
کنیم .

۷- همکاری و کمکاری و سستی و تنبلی را برای  
همیشه از قاموس مان حذف نماییم سخت بگوئیم  
بیشتر بجوشیم و در برابر مشکلات تلاش کنیم .  
و گرنه انبوه مشکلات و هجوم و حمله حوادث  
ما را به زانو در می آورد .

۸- این واقعیت را همه باید بپذیریم و بطور  
مداوم روی آن تبلیغ کنیم که برای رسیدن به آزادی  
و استقلال و اقمی به قدرت و بیروزی نهائی و خلاصه  
به یک حکومت اسلامی پر فروغ و انتخار آفرین باید  
تا مدتی محرومیت ها و مشکلاتی را بپذیرا باشیم  
هرگز نباید فکر کنیم که بهمانند زمانه عسکری از شاه  
تا بام برپالشی از برق خواب عمیق و طولانی  
خواهیم داشت .

۹- باید برای کسب غذای هر چه بیشتر تمامی توانیم  
صرفه جوئی کنیم و جز آنچه را خود تولید می کنیم  
مصرف نکنیم ، جز گندمی را که می کاریم بخوریم  
و جز ازدامی که می پروریم تغذیه تمامیم بگوئیم  
سلاح ما را خودمان تولید کنیم منابع زیر زمینی مان  
را خودمان استخراج کنیم .

۱۰- خلاصه همه چیز بدست خودمان و در راه هدف  
انقلاب مان باید انجام شود .  
و مسلماً ناان برانه همه از مدتی هرگونه رفاه  
و توسعه و پیشرفت برای ما امکان پذیر خواهد بود

۱۱- ما باید به سایر ملت هایی که اسیر روح و غم  
اند کمک کنیم و به آنها از تجربه های خود دنیا و زویم  
تا آنها نیز بیباخیزند و برای شکستن زنجیرها آماده  
شوند و با ما همصدا گردند و آن روز است که  
در دنیا تنها نخواهیم بود .